

پیوند سنت با تئاتر امروز



گزارش هفتمین جشنواره نمایش‌های
مذهبی، آیینی و سنتی [۹ لغایت ۱۵
مهرماه ۱۳۷۴]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نمایش‌های مذهبی، آیینی و سنتی بخشی از هویت دینی و ملی ماست. نوع خاصی از تئاتر که به‌عنوان میراث گذشتگان، بدویله کلام و نمونه‌های عملی و ابداعی دیگر از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده و در نهایت به ما رسیده است.

از ویژگی‌های این نوع نمایش، شناسایی و غیرنوشتاری بودن آن، توان بسیار بالای آن در ایجاد ارتباط با توده مردم و در نهایت برجسته‌ترین ویژگی آن

هفتمین جشنواره نمایش‌های مذهبی، آیینی و سنتی که هم‌زمان با میلاد فرخنده بانوی گرامی اسلام حضرت زینب کبری (س)، روز یکشنبه ۷۴/۷/۹ کار خود را آغاز کرده بود به حول و قوه الهی با بیش‌ترین استقبال مردم بدریژه در شب آخر اجرا (حدود ۵۰۰۰ نفر تماشاچی) کار خود را در شنبه ۷۴/۷/۱۵ در محل سالن تئاتر شهر با صدور بیانیه‌ای به پایان رسانید.

آنچه که در ذیل می‌آید گزارشی نه‌چندان مختصر درباره این جشنواره می‌باشد.

برخورداری از فرهنگ خودی است. در شرایطی که نمایش آیینی و سنتی به فرد خاصی تعلق ندارد، همگان آن را از خود دانسته و بدین لحاظ است که با علاقه‌مندی از آن بهره می‌جویند و پاسداری از آن را وظیفه خود می‌دانند.

متأسفانه بشریت به دوره‌ای رسیده است که مرزها به هم ریخته و مفاهیم مخدوش گردیده است. در چنین شرایطی تلاش جدی برای حفظ این ارزش‌های ملی و دینی به‌عنوان یک اصل اساسی رُخ می‌نماید. و ضرورت دارد بیش از هر زمان دیگری حراست و حفاظت از آن‌ها را با دقت و وسواس و حوصله بسیار پی‌گیری نماییم.

بر این اساس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به تبع آن مرکز هنرهای نمایشی همواره کوشیده است تا اولاً بر اساس رأی صاحب‌نظران به شناخت و تمیز این نمایش‌ها اهتمام ورزد و در ثانی با شناسایی شیوه‌های گوناگون موجود در سراسر کشور، ضمن گردآوری این شیوه‌ها، نیروهای صاحب‌نظر و دلسوخته و علاقه‌مند را به حفظ، بازسازی و ارایه آن‌ها دعوت نماید.

خوشبختانه موفقیت‌های چشم‌گیری در این خصوص حاصل گشته است. تنوع موضوعات نمایشی هفتمین جشنواره سراسری تئاتر مذهبی، آیینی و سنتی در بخش‌های نمایش‌های سیاه‌بازی، تعزیه، نقالی، شاهنامه‌خوانی، پرده‌خوانی، حرکت نمایشی آیینی، خیمه‌شب‌بازی، مرشدخوانی و... در مجموعه تئاتر شهر - سالن اصلی، سالن چهارسو، سالن شماره ۲، قهوه‌خانه سنتی، محوطه فضای آزاد جلوی تئاتر شهر - مؤید این نظر و تلاش است.

هم‌چنین برگزاری سمینار پژوهشی به منظور تحقیق و تفحص از زوایای گوناگون این‌گونه نمایش‌ها که در طول مدت جشنواره همه‌روزه صبح‌ها و با حضور اساتید صاحب‌نظر و علاقه‌مندان در سالن شماره ۲ تئاتر شهر برگزار شده و نیز استقبال گسترده مردم از نمایش‌ها

و برنامه‌های تدارک‌دیده، همه و همه از تأکید بر توجه به این‌گونه نمایش‌ها خبر می‌دهد.

«گزارشی از نمایش‌های بخش مسابقه و میهمان»

اینک به معرفی ۲۱ نمایش در بخش‌های مسابقه و میهمان می‌پردازیم.

«کمیل» از رشت

نویسنده و کارگردان: علی حاج‌علی عسگری

مسابقه. نمایش مذهبی

نمایش نگاهی دارد به زندگی «کمیل بن زیاد نخعی» یکی از یاران وفادار مولا علی (ع) فرمانده‌ای توانا و یاور مهربان که بسیاری از سال‌های عمر خود را به‌خاطر حقانیت مولایش در جبهه‌های جنگ شمشیر زده و مصاحب خوبی برای امیر مؤمنان بوده است. در این نمایش ضمن آشنایی با کمیل و زندگی پرافتخارش درمی‌یابیم که دعای کمیل چیست و چگونه به‌دست کمیل رسیده است.

«عاشق‌کشون» از رامهرمز (خوزستان)

نویسنده: عزت‌الله مهرآوران

کارگردان: محمد نوروزی

مسابقه. آیینی؛ نمایش نقالی

حماسه و دلآوری‌های مردان و زنان تاریخ گذشته، شاهنامه‌خوانی، سوگینه‌خوانی، معرفی اسطوره‌های تاریخی ایل بختیاری و آداب و رسوم که داشته‌اند و بالاخره مبارزات پی‌گیر آن اسطوره‌ها در مقابل ظلم و بی‌عدالتی و بی‌وژگی‌های لازم را برای انتخاب این متن به کارگردان داده است. علاوه بر آن ویژگی‌ها بومی بودن نمایش با شیوه نقالی موجب گشته تا کارگردان این نمایش برای جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی

انتخاب نماید.

کارگردان نمایش فوق را وادار به خلق این اثر نمایشی موفق کرده است. او شیوه سکویی و روایی را برای اجرای کار در نظر گرفته و این نمایش را به صورت ریتمیک و با موسیقی کاملاً سنتی آذربایجانی و با لهجه و زبان ترکی به اجرا درآورده است.

نمایش این گونه شروع می شود: اوایل بهار است. تکم چی به همراه شاگردانش به روستا می آید و مژده بهار را می آورد. بچه های روستایی دورتادور تکم چی را می گیرند و به اصرار او را مجبور می کنند که قصه ای برای آنها نقل کند. تکم چی قصه «تنبیل احمد» را نقل می کند. احمد تنها پسر مش حیدر است و پسری است شدیداً تنبل و ترسو. مش حیدر که از این رفتار پسر به ستوه آمده به جهت چاره جویی نزد خواهرش می رود. خواهرش حیل و نقشه ای می کشد که احمد از خانه بیرون برود. نقشه عملی می گردد و احمد از خانه خارج می گردد و درگیر ماجراهایی می شود که موجب تغییراتی

دو نقال به نام های سیاوش و قشنگ در گذرگاه های ایل برای کوچندگان نقل «خان» را می گویند. تفنگچیان خان دو نقال را دنبال می کنند. نقالان به غاری می گریزند. در آن غار به راز دو نقال مبارز و عاشق را به نام های ستاره و کهزاد که ۵۰ سال پیش به آن جا پناه برده اند را پی می برند. لذا دو نقال جوان ما تصمیم می گیرند که این راز را نقلی کنند. و تا آن جا پیش می روند که می بینند سرنوشت شان با آن دو پیر نقال گره خورده و...

«تنبیل احمد» از خوی

نویسنده و کارگردان: علی حسینی زاده

مسابقه آیینی. این نمایش به زبان ترکی اجرا شده است. استفاده از سنت تکم چی و ایجاد یک فضای کاملاً سنتی در مورد خلق قصه تنبیل احمد به شیوه ها و الگوهای نمایشی آذری از ویژگی هایی بوده است که



در روحیه او می‌شود.

خمودگی فکری و تبلی جسمی فهران داستان یعنی «احمد» می‌تواند با ورود به طبیعت بیرون و ایجاد تغییراتی به تحولی دست یابد که موجب الگوبرداری تماشاگران می‌شود.

«معرکه در معرکه» از شهرستان شاهرود

نویسنده: داود میرباقری

کارگردان: حسن فهمی‌پور

مسابقه. آیینی. میدانی «معرکه‌گیری»

یکی از آیین‌های نمایشی در ایران معرکه‌گیری و نمایش‌های میدانی است که ریشه در سنت نمایشی کشور ما دارد. به‌ویژه که نویسنده بومی منطقه شاهرود است و از آیین‌های بومی منطقه خود در رابطه با معرکه‌گیری استفاده‌های فراوان برده است. معرکه در معرکه حکایت پهلوانی است که در چرخه روزگار و در راستای امرار معاش روزانه اسیر حربه نیرنگ حیل‌گرانی می‌شود که قصد بی‌آبروکردن و هتک حرمت او و حرفه‌اش را دارند. او با سرسختی در مقابل این مصیبت مقاومت نشان می‌دهد و سعی می‌کند از دام آنان بگریزد. اما سرانجام در بند تزویر زنی گرفتار می‌آید و در این راه از مونس و همدم خود که همانا شاگرد او است می‌گذرد و او را از خود می‌راند. در غربت و تنهایی با جوانمردی به زن که از کرده خود در قبال پهلوان پشیمان و نادم گردیده، پناه می‌دهد و زن دختر خویش را به غرامت به او می‌سپارد و به مقصد نامعلوم راهی می‌گردد...

«پر سیاوشان» از گرگان

نویسنده و کارگردان: محمد حسین رستماني

مسابقه. آیینی. با نگاهی به شاهنامه فردوسی

نویسنده و کارگردان این نمایش معتقد است که هر بخش و قصه شاهنامه فردوسی درونمایه‌ای برای خلق

یک اثر نمایشی با آیین‌ها و مراسم‌های قبل از اسلام دارد. لذا وجود این آیین‌ها خود دلایل محکمی برای شرکت این نمایش در جشنواره می‌باشد. کارگردان نمایش از نقالی و همسرایی بهره‌های فراوان برده و در ارابه این آیین‌ها نیز تا حدی موفق بوده است به‌طوری‌که توانسته تعداد ۴ جایزه بخش مسابقه از جمله جایزه بهترین کارگردانی را به خود اختصاص دهد.

نمایش‌نگاهی دارد به تولد سیاوش و برخورد او با سودابه همسر کیکاویوس شاه «پادشاه ایران» و گذشتن از میان کوه آتش و زندگی در توران زمین... و در نهایت بریده‌شدن حلقوم او در نارسران افراسیاب. که از قطره قطره خون او گل سیاوشان می‌روید. و در این حاست که نقالان و قوالان در سوگ او به آواز می‌نشینند.

«ملیک محمد» از ارومیه

نویسنده: علی صابری رضانی

کارگردان: پرویز سلیمانی اقدام

مسابقه. آیینی.

این نمایش برداشتی از افسانه عامیانه آذری است که به زبان ترکی نیز به اجرا درآمده است.

مردم از عاشیق، راوی قصه، تقاضا می‌کنند تا افسانه‌ای از گذشته خودشان را تعریف کند و عاشیق به درخواست مردم جواب مثبت می‌دهد و قصه ملک ممد را که شاهزاده‌ای است روایت می‌کند. ملک بر اساس ظلم بردارهایش به درون چاهی افتاده است و سعی دارد از آن‌جا به دنیای روشنایی برسد، در اولین برخورد بچه پرنده‌ای (زمرد قوچی) را از دست دیو سیاه نجات می‌دهد و مادر پرنده راه رسیدن به دنیای روشن را برای او بازگو می‌کند...

«کریم پشه سلطان می‌شود» از اصفهان

نویسنده و کارگردان: حسن شاه‌پسندی

مسابقه. برداشتی از بقال بازی «بازی در حضور»

بازیگرها به صورت عروسکی و عروسکگردانی بازی را شروع می‌کنند. در این نمایش وضع آشفته و ناسامان دربار ناصرالدین شاه قاجار و معضلات جامعه از زبان کریم به عرض شاه می‌رسد، سپس با توافق شاه و کریم هر یک در قالب دیگری ظاهر می‌شوند. «شاه در لباس کریم و کریم در لباس شاه قاجار» که در تمامی طول بازی شاه حضور دارد «بازی در حضور». بازی‌ها در پشت صحنه شکل می‌گیرد و بازیگران نمایش را در نمایش اجرا می‌کنند.

بازیگر اصلی «کریم» از ناراحتی قلبی رنج می‌برد که در صول نمایش نمایان است و لحظاتی به لحاظ درد از نقش بریده، باز در نقش فرو می‌رود، مصمم و بر خود وظیفه می‌داند نمایش را به‌تمام برساند. بازیگران سعی می‌کنند که نگرانی خود را از آخرین بازی «کریم» نشان ندهند. لیکن اجل به او مهلت نداده و بر روی صحنه

جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند. کریم قبل از آخرین نفس‌های حیات دلقکی «سیاه» را جهت تداوم راهش در نمایش‌های آینده معرفی می‌کند و نمایش در حضور سیاه به پایان می‌رسد.

«قره‌چی» از شیراز

نویسنده: کوروش نبی‌زاده

کارگردان: قادر شهسواری

مسابقه. تخت حوضی و سیاه بازی

این نمایش در اپیزودهای مختلف و به شیوه‌های تخت حوضی و سیاه‌بازی اجرا شد. ارایهٔ چهره درست شخصیت «سیاه» یکی از نکات مهم این نمایش بود. این نمایش نشان می‌دهد که «سیاه» در طول تاریخ مثله شده است و چهرهٔ راستین خود را و آن برندگی لازم را از دست داده است. تا این‌که می‌بینیم، امروز، سرانجام به یک «شیء موزه‌ای» تبدیل شده است.



اما خلاصه نمایش از این قرار است:

صحنه نمایش موزه‌ای است که هفت سیاه در قاب‌هایی ویترونی قرار گرفته‌اند و تعدادی مانکن که بیسانگر لباس‌های نمایش سنتی است در این موزه نگهداری می‌شود. هفت سیاه که بیانگر دوران تاریخی معین هستند، تصمیم می‌گیرند هرکس سرنوشت خود را به نمایش درآورد. و در هر صحنه یک سیاه بازیگر اصلی و دیگر سیاهان نقش‌های مقابل را بازی می‌کنند. در این میان هنرجویی که به دنبال شهرت و هنرپیشگی است با دریافت غلط از این مقوله به مسیر مبتذل این جریان هنری می‌افتد و عاقبت...

«اشک سیاه» از تهران

نویسنده و کارگردان: سعدی افشار

مسابقه. تخت حوضی

این نمایش توسط یکی از پیشکسوتان نمایش سیاه‌بازی یعنی آقای «سعدی افشار» به‌احزاب درآید. سعدالله زحمت‌خواه معروف به سعدی افشار فعالیت سیاه‌بازی و تخت حوضی خود را از سال ۱۳۲۹ یعنی از سن ۱۰ سالگی شروع کرده است. او ۴۵ سال تجربه «سیاه» را در قلب خود جای داده است. در روز اجرا سالن نمایش، بیش‌ترین تماشاچی را در خود جای داده بود. و مردم تنها منتظر دیدن شخص اول نمایش یعنی «سیاه» بودند. نمایش دارای دکوری ساده و تا حدی فانتزی است و از اشعار عرفانی با ریتم آرام و درام استفاده شده است.

پرده اول نمایش خاطرات گذشته سعدی افشار است. پشت صحنه سالن نمایش گروه نمایشی هرکدام در مورد موضوعی صحبت می‌کنند؛ علی‌تار می‌نوازد و آقای افشار از گذشته‌ها تعریف می‌کند که چگونه به صحنه تئاتر کشیده شد. بچه‌ها او را وادار می‌کنند که یکی از ترانه‌های قدیمی را بخواند. که او شعر کاسه شقاف‌فروش را می‌خواند، و در میان شادی و

خنده گروه نامه‌ای به آقای افشار می‌رسد که خبر مرگ دخترش در آن آمده است و این بخش از نمایش مهم‌ترین نقطه عطف نمایش یا به بیانی دیگر زندگی واقعی «سیاه» ما است...

پرده دوم خلاصه‌ای از نمایش «طبيب اجباری» اثر «مولیر» است که به سبک و سیاق نمایش‌های ایرانی اجرا می‌شود. جلال به خواستگاری دختر عموش می‌رود ولی عمو یعنی امیرزا مخالفت می‌کند. دختر خود را به بیماری زده که پزشک هندی بر سر بالین او آمده و شرط می‌کند که دختر بعد از معالجه به عقد هرکسی که خواست درآید...

«سورپریز» از تهران

نویسنده و کارگردان: پرویز سنگ سهیل

مسابقه. تخت حوضی

خلاصه نمایش:

قلی (سیاه - نوکر) در خانه آقای مظفرخان به‌عنوان نوکر کار می‌کند، در این میان قلی عاشق دختری به‌نام سحر می‌شود که یکی از بستگان مظفرخان می‌باشد. اما هیچ‌وقت احساس خود را بیان نمی‌کند. روزی به اصرار از او می‌خواهند که دختری را برای زندگی انتخاب کند و قلی احساس خود را نسبت به سحر ابراز می‌کند و ارگاه خانواده مظفرخان به‌خاطر زحمات قلی برای خواستگاری به منزل آقای حاتم پدر سحر می‌روند، اما حاتم...

«دوروی سکه سیاه» از بهبان

نویسندگان: حسین عظیمی - حجت‌الله تجلی

کارگردان: مرتضی موفق

مسابقه. تخت حوضی و سیاه‌بازی

در پرده اول نمایش شاهد نمایش سیاه‌بازی اصیل و قدیمی و در پرده دوم نقبی تحلیلی از پرده اول و ضرورت تحول در «سیاه» هستیم. در این پرده حضور

شخصیتی والاتر، آگاه‌تر و پخته‌تر از «سیاه» را می‌طلبید. از ویژگی‌های این نمایش نگاهی نو به «سیاه» به عنوان فردی امروزی است. این «سیاه» ضعیف است و به عنوان وظیفه باید شناخت کافی از تحولات اجتماعی داشته باشد و برای این شناخت باید به خود رجوع کند. گروه سیاه‌بازی به اجرای نمایشی در رابطه با شاه و وزیر و دربار مشغولند. اخترشناسان در طالع شاه چنین پیش‌بینی کرده‌اند که دخترانش در آینده محل پادشاهی پسرش می‌شوند. لذا شاه دستور می‌دهد که دخترانش را گردن بزنند. اما یکی از پسران تمرد امر کرده و خواهرش را به دور از چشم پدر نگهداری می‌کند و... تا این که یکی از تماشایان به سوژه کهنه و تکراری اعتراض می‌کند. «سیاه» نمایش او را به دیدن پرده دوم دعوت می‌کند. سپس گروه به بیان واقعیت زندگی سیاه می‌پردازند. در تلخی این زندگی واقعی، سرانجام زن سیاه علی‌رغم علاقه بسیارش به او، زندگی‌اش را ترک می‌کند...

«سیاه در بارگاه کاسیوس» از تهران

نویسنده و کارگردان: کامبیز صفری

مسابقه. تخت حوضی و سیاه‌بازی

«سیاه» این نمایش میر غلامعلی موسوی بیرانی معروف به «مصطفی عرب‌زاده» از معدود پیشکسوتان نمایش‌های تخت حوضی می‌باشد. عرب‌زاده در سال ۱۳۰۹ به دنیا آمده است و فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۲۲ با نمایش شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون در نقش سیاه در تئاتر جامعه بارید آغاز کرده است و تاکنون نیز ادامه داده است. او از حضور اساتیدی چون مرحوم مهدی مصری، استاد محروم ذبیح‌الله ماهری و استاد مرحوم سید حسین یوسفی بهره‌های فراوان برده و کلیه تجربیات این نوع نمایش را چون دیگر پیشکسوتان در سینه دارد. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با گروه تخت حوضی آقای سفری کار کرده. در کسلیه جشنواره‌های سستی نیز شرکت کرده و در دو جشنواره



اخیر با تندیس و سکه بهار آزادی از او تقدیر به عمل آمده است.

این نمایش حکایتی است از امپراتوری روم قدیم که در آن بت پرستی بیداد می‌کرد و سیاه نمایش به همراه دوستش احمد که خداپرست هستند بر علیه بت پرستان قیام نموده و حکومت طاغوت را سرنگون می‌سازند.

«دزد مروارید» از تهران

نویسنده و کارگردان: حسین عظیمی

مسابقه. تخت حوضی و سیاه بازی

این نمایش سیاه بازی با هنرمندی سیاه باز با سابقه به مدت ۲۷ سال «افشین یکه» بسیار مورد توجه قرار گرفت. و افشین یکه نیز چون دیگر پیشکسوتان سیاه بازی با اهداء تندیس و سکه بهار آزادی از او تقدیر به عمل آمد.

اما نمایش حکایتی از تزویرهای درباریان است که صداقت و ایمان آن تزویرها را خنثی ساخته و موجب پیروزی حق بر باطل می‌شود.

شبی حاکم شهر و همراهانش با لباس مبدل به خانه جوانی فقیر می‌آیند که بعد از پذیرایی ساده اما شایسته، جوان و غلامش با قوت مورد توجه حاکم قرار می‌گیرند. آن‌ها به قصر حاکم دعوت می‌شوند و دارای مقام و موقعیت مهمی می‌شوند. وزیر اعظم بارگاه به مقام و منصب جوان حسادت می‌ورزد و...

«رقص بردگان» از تهران

نویسنده و کارگردان: مجید افشار

مسابقه. سیاه بازی

مجید افشار اصل و نسبش به اهل کوچه افشاری‌های تهران در سنگلج می‌رسد. در سال ۱۳۳۰ متولد شده و طبق معمول بازی تئاتر را از مدرسه یعنی در سال ۱۳۴۳ آغاز کرده و از سال ۱۳۵۰ به تئاتر سیاه بازی روی آورده است. از محضر بزرگانی چون

«مینی مصری»، «سید حسین یوسفی» و «سعیدی افشار» بهره‌های فراوان برده است. و همه تجربه‌ها را در سینه‌اش جای داده است. در مورد سیاه اعتقاد دارد که: سیاه از مردم عادی کوچک و بازار است و به خاطر این که از نزدیک با مردم و مشکلاتشان آشناست، همیشه با شاهان و حکام درگیر است و کشمکش دارد و در برابر آنان سر تعظیم فرود نمی‌آورد و پای بند هیچ شغل و مقامی نیست. او فقط می‌خواهد به خاطر خدا و برای خدا از مردم و حقشان دفاع کند. با این هدف از زبان طنز بهره می‌گیرد و با زدن حرف‌های نیشدار و دوپهلوی شاهان را به سخره می‌گیرد. مجید افشار سعی کرده است که نمایش هایش را خودش بنویسد، اما هیچ‌گاه ادعای نویسندگی نداشته است.

در هفت دوره جشنواره‌های نمایش‌های سنتی شرکت کرده و از پنج دوره اول لوح تقدیر و از دو دوره آخر که به صورت مسابقه برگزار شده تندیس، لوح سپاس و سکه بهار آزادی دریافت کرده است.

در اجرای نمایش رقص بردگان نهایت سعی را در به کارگیری نکات لازمه نمایش‌های تخت حوضی داشته است. از جمله داد مظلوم از ظالم، انتقاد از دستگاه حکومتی خان سلطان و وابستگان او، طرح نقشه و حرکت دادن بردگان که در زندان حکومتی به سر می‌برند و در انتها به زیرکشاندن خان سلطان از تخت سلطنت توسط مبارک «سیاه قصه».

اما نمایش «رقص بردگان» حکایت بردگانی است که در زندان امپراتور گرفتار آمده‌اند. سابو و سابوه دو برده سیاه در مزرعه امیرزاده که مادرش برده سیاه بود، کار می‌کردند. امیرزاده به سابوه دل می‌بندد و قصد ازدواج با او را دارد. اما خان بانو با دسیسه‌های خود این خواهر و برادر را به زندان می‌اندازد. دو زندانی دیگر نیز به دلایل واهی در زندان به سر می‌برند. مبارک که شغلش حکیم دوره گرد است به زندان می‌افتد. با ورود این فرد تحولی ایجاد شده و روحیه زندانیان دگرگون می‌گردد. از

سوی دیگر امپراتور خوابی دیده که جز مبارک کسی قادر به تعبیر آن نیست. و مبارک با ترفندی ماهرانه امپراتور را به کام مرگ می‌فرستد و...

«بازی‌نامه» از تهران

نویسنده و کارگردان: حسین کربلایی‌طاهر

مسابقه. سیاه‌بازی

نمایش باز هم حکایت از زندگی واقعی یک سیاه دارد. مبارک در یک بنگاه شادمانی که توسط امیرزا اداره می‌شود کار می‌کند. وی بنا بر یک توطئه شوم در این بنگاه اسیر است. و باید ۲۱ برنامه در خدمت این بنگاه و امیرزا کار کند. اما در حین هشتمین برنامه‌اش با جوانی دستفروش برخورد می‌کند. این جوان که علاقه‌مند به کارهای سیاه‌بازی است به مبارک و کار وی علاقه‌مند شده و می‌خواهد ادامه‌دهنده راه او باشد. اما خیلی سخت و مشکل به این مقصود می‌رسد.

«تعزیه ذیح اسماعیل» از کاشمر

نویسنده: مرحوم میرعزا

کارگردان: محمدرضا رجب‌زاده

مسابقه. تعزیه

تعزیه ذیح اسماعیل تعزیه‌ای است سنتی، مذهبی و تاریخی، منطبق با آیات قرآن و بالاخره گریز نهایی، کونا و شیوا به تمام واقعت کربلا دارد.

حضرت ابراهیم خلیل برای اولین بار در پیشگاه خداوند باید قربانی کند. لذا بنا بر فرمان خداوند پسرش اسماعیل را برای قربانی کردن آماده می‌سازد. او را به قربانگاه می‌برد و هنگامی که کارد را بر گلوی پسرش گذاشته از طرف خداوند گوسفندی برای قربانی فرستاده می‌شود...

«عباس هندو» از سمنان

نویسنده و کارگردان: رجبعلی معینیان

مسابقه. تعزیه

خلاصه تعزیه

در هندوستان محلی بوده به نام عباس‌آباد که در ماه محرم عزاداری برپا نمودند و قرار شد که تعزیه حضرت عباس خوانده شود. بانی عزاداری کسی را بین مسلمانان در آن محل نمی‌شناخت که نقش حضرت عباس را به عهده بگیرد، فقط یک جوان یهودی در آن محل بود که بسیار خوش‌صورت و خوش‌سیما بود و مشکل بود که این نقش را قبول کند ناچار اهالی محل به منزل این جوان یهودی روانه می‌شوند. از طرفی شب قبل جوان یهودی در خواب حضرت امام حسین را می‌بیند و جریان آمدن مردم و...

«تعزیت» از تهران

نویسنده: محمد چرمشیر

کارگردان: رضا حداد

میهمان

خلاصه نمایش

شاهزاده کوچولو از ستاره خود به زمین آمده و در جست‌وجوی آن است که چرا گوسفندان گل‌ها را می‌خورند. او در طول سفر خود با افراد مختلف برخورد می‌کند ولی هیچ‌یک قادر به پاسخ دادن سؤال او نیستند. در پایان او درمی‌یابد که انسان‌ها به علت بی‌ریشه‌بودن‌شان از پاسخ دادن به او عاجزند و فقط بچه‌ها می‌توانند سؤال او را جواب دهند.

«سیاه‌زنگی و هفت کچلون» از تهران

اقتباس: علیرضا درویش‌نژاد

کارگردان: علیرضا درویش‌نژاد

میهمان

خلاصه نمایش

مرشد داستانی را تعریف می‌کند:

در شهری هفت کچل و یک سیاه به دختری

زیاروی دل بسته‌اند. شخصی فرنگی وارد شهر می‌شود تا دختر آن سرزمین را با خود ببرد. برای رسیدن به این مقصود بین سیاه و کچل‌ها نفاق می‌افکند و باعث می‌شود تا کچل‌ها سیاه را بکشند. سپس بین کچل‌ها نیز نفاق می‌افکند و در انتها قصد بردن دختر را دارد اما...

«سفر دور و دراز سلطان» از تهران

نویسنده: محمد چرمشیر

کارگردان: سیروس کهوری‌نژاد

میهمان

خلاصه نمایش

شیخ ابوالقاسم فردوسی برندهٔ یک جایزه در فرنگ می‌شود، اما برای رفتن پولی ندارد. سلطان صاحب‌دلی به اتفاق ندیمه‌های خود (به‌دور از چشم حکیم) عازم دیار فرنگ می‌شود تا جایزه بگیرد. سلطان در این سفر از جوان‌های محافل عبور می‌کند تا این‌که مرد مشکوک‌کی سراسر راه وی حاضر می‌شود و نمی‌گذارد سلطان به مقصود خود برسد و سرانجام...

«بارعام» از تهران (اسلام شهر)

نویسنده و کارگردان: حسین وارسته

میهمان

خلاصه نمایش

از ظلم و ستم و عیاشی حاکمی، مردم سه‌ستوه آمدند. استاد مرد آگاه و دانای شهر مردم را هدایت می‌کند تا این‌که روز محاکمه، حاکم حکم بند استاد را صادر می‌کند. پس از بدحس رفتن استاد، رجب و حاجی و تعدادی از مردم تصمیم به آزادی استاد می‌گیرند. اما ورود به دربار مشکل است؛ از طرف دیگر حاکم می‌خواهد جماعت را به بارعام دعوت نماید تا سر از تن استاد جدا کند. مردم متوجه توطئه حاکم می‌شوند و بر آن «می‌شوند که...

مراسم اختتامیه:

مراسم اختتامیه هفتمین جشنواره سراسری نمایش‌های مذهبی، آیینی و سنتی عصر روز شنبه ۱۵ مهرماه سال جاری در محل سائن اصلی تئاتر شهر برگزار گردید. در این مراسم که با حضور آقایان مهندس خوشرو معاونت محترم هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهندس بهمنی نماینده مردم رامهرمز در مجلس شورای اسلامی، جمعی از مدیران کل وزارتخانهٔ متبوع، پیشکسوتان نمایش‌های مذهبی، آیینی و سنتی، تنی چند از اساتید دانشکده‌های هنری کشور، هنرمندان شرکت‌کننده از شهرستان‌های مختلف کشور و جمع کثیری از علاقه‌مندان به نمایش‌های سنتی برگزار گردید. هجوم گستردهٔ هنرمندان و علاقه‌مندان، تراکم بسیار جمعیت را در پشت درب‌های سائن تئاتر شهر ایجاد کرد که با نظارت مسئولین سائن، این علاقه‌مندان به سائن هدایت شدند. حضور این علاقه‌مندان به‌صورت شسته و ایستاده سائن را پُر از جمعیت کرده بود.

در این مراسم پس از بخش سرود جمهوری اسلامی ایران آیاتی چند از کلام‌الله مجید قرائت شد. آن‌گاه جناب آقای علی پویان قائم‌مقام اجرایی گزارش جشنواره را قرائت فرمودند. آقای پویان در این گزارش اعلام داشتند که پس از فراخوان عمومی ۷۳ نمایشنامه به دبیرخانهٔ جشنواره‌ها ارایه گردید که پس از مطالعهٔ متون توسط هیئتی از کارشناسان ۴۳ متن برای بازبینی از اجرا معرفی گردید. با پی‌گیری‌های انجام‌شده، ۸ تن از کارشناسان ارشد کارشناسان مرکز هنرهای نمایشی به تهران و ۲۰ شهرستان مراجعت و پس از بازبینی نمایش‌ها، ۲۰ نمایش سنتی، آیینی و ۵ تعزیه برای حضور در هفتمین جشنواره انتخاب و معرفی شدند. قائم‌مقام اجرایی جشنواره آن‌گاه از حضور فعال پیشکسوتان هنرهای نمایشی و همهٔ هنرمندان و اساتید محترم شرکت‌کننده در جشنواره صمیمانه سپاسگزاری نمودند.

در ادامه برنامه جناب آقای دکتر محمود عزیزی دبیر جشنواره به تشریح کیفیت نمایش‌های مذهبی، سنتی و آیینی و ضرورت شناخت و بهره‌وری از آن‌ها تأکید نموده و از گروه‌های قدیمی و نیروهای جوان دانشگاهی خواستند با زبانی مشترک در رسیدن به این اندیشه و ابزار تلاش نمایند.

آقای دکتر عزیزی تحول نمایش‌های آیینی، سنتی و تلاش صاحب‌نظران بر پیوند سنت با تئاتر امروز را ضروری دانستند. ایشان اظهار امیدواری کردند گردهم‌آیی تمامی پژوهشگران و دست‌اندرکاران تئاتر در هفتمین جشنواره به نمایش گذاشته شود.

پس از صحبت‌های دکتر عزیزی گروه نمایش سیاه‌بازی - پیشکسوت نمایش سیاه‌بازی ایران آقای سعیدی افشار - به اجرای برنامه پرداخت. از اولین لحظه حضور آقای افشار بر صحنه تشویق‌های ممتد خیل حصار فضای سالن را پُر کرده بود.

پس از اجرای این نمایش، در فضای دلنشین مرشد فرامرز تهرانی با نواختن بر ضرب زورخانه اشعاری زیبا را خواندند. آن‌گاه استاد نقالی و شاهنامه‌خوانی ایران مرشد ولی‌الله ترابی و مرشد سیدمصطفی سعیدی به نقالی و شاهنامه‌خوانی پرداختند. برنامه‌های این سه هنرمند طی نوبت‌های متوالی با کف‌زدن‌های بینندگان مورد تشویق بسیار قرار گرفت.

برنامه بعدی قرائت بیانیه هیئت داوران بود که سرکار خانم پردیخت زاهدی به نمایندگی از هیئت داوران این بیانیه را قرائت نمودند. این بیانیه برگزاری مراسم آیینی را نمایشی برای فراتر رفتن از مرزهای قراردادی و چارچوب‌های تحمیلی از جانب واقعیت‌ها دانستند که گروهی یکپارچه با علایق و اعتقادات مشترک برای دستیابی به این هدف هم‌صدا می‌شوند. این بیانیه برپایی این جشنواره را در شرایط هجوم و انفسای تهاجم فرهنگ‌های بیگانه و پاسداری از هویت ملی و مذهبی دانسته و هدف برگزاری این جشنواره‌ها

را حفظ سنت‌های ارزشمند گذشته اعلام نمود. هیئت داوران راه رسیدن به این هدف را طولانی دانسته و به عدم توفیق کامل در استفاده از ارزش‌های نهفته در فرهنگ نمایش خودی اشاره نمودند. براساس این اظهارنظر، آثار ارایه‌شده تولیداتی صرفاً از سرِ علاقه‌مندی اعلام نمود که متأسفانه فاقد شناخت کافی از مفاهیم ارزشی و اصولی بوده است.

هیئت داوران در بیانیه خود طی ۶ بند پیشنهاد کردند:

۱ - بنیانگذاری کارگاه‌های نمایشی که به منظور آموزش فنون سنتی بپردازند. با استفاده از تجربه و مهارت اساتید معدودی که شاید آخرین نسل مداوم‌بخش این هنر باشند. زیرا نمایش‌های سنتی، سنگ‌بنای نخستین و پایه اصلی تئاتر ما را می‌تواند تشکیل دهد.

۲ - اولاً در صورت امکان تعزیه‌ها در محل سنتی خود مثل تکاپا و حسینیه‌ها اجرا گردد و در صورتی که فضایی غیر از محل‌های گفته‌شده بخواهند جهت اجرای آن‌ها در نظر بگیرند بهتر است که به مسئله جای ویژه شبیه‌خوان‌ها، فضای دور سکویی مرکزی و جای نشستن تماشاچیان توجه لازم به عمل آید، زیرا تماشاگران قادر نیستند به علت خستگی تمام مدت را استفاده به تماشای تعزیه بپردازند.

۳ - به کاربرد میکروفون در دست تعزیه‌کاران - گرچه به کاربرد میکروفون در اجراهای تعزیه رایج شده است، اما عموماً مخالف با سنت و روح تقدیس موجود در اجرای شبیه‌خوانی‌هاست، زیرا به تمرکز تماشاگران و اجراکنندگان لطمه وارد می‌سازد. در صورتی که تعزیه در مکان اصلی خود (حسینیه، تکیه) اجرا گردد دیگر نیازی به تجهیزات کمکی نامبرده بالا نخواهد بود.

۴ - هیئت داوران پس از بازبینی از این نمایش‌ها متوجه کمبود امکانات بعضی از گروه‌های شرکت‌کننده

در جشنواره شده‌اند که در سطح کیفی کار آنان تأثیرگذار بوده است.

۵ - علی‌رغم این‌که طرح مسایل روز جامعه همواره از اهمیت فوق‌العاده‌ای در نمایش‌های سنتی برخوردار بوده است، گروه‌های شرکت‌کننده در این جشنواره غالباً به نقل روایات مربوط به گذشته اکتفا کرده‌اند، که لازم است آثار نمایشی به طرح مسایل روز اجتماعی و نیازهای جامعه پردازند.

۶ - با توجه به این‌که نقش زنان در نمایش‌های سنتی غالباً کمرنگ و ناچیز بوده است، پیشنهاد می‌شود که به بهره‌گیری بیش‌تر و بهتر از وجود بانوان هنرمند به نقش واقعی زن توجه عمیق‌تری مبذول گردد.

پس از قرائت بیانیه، آقایان مهندس ابوالقاسم خوشرو، دکتر محمود عزیزی و علی پویان بر صحنه حضور یافتند و هم‌زمان با قرائت آرا و حضور هنرمندان برگزیده هر رشته جشنواره جوایز آنان را اهدا نمودند. جوایز عبارت بودند از: تندیس طلایی جشنواره، سکه بهار آزادی و دیپلم افتخار.

در بخش تقدیر از پیشکسوتان از آقایان سعدی افشار، سید مصطفی عرب‌زاده، کامبیز صفری، علی اژدری، حسن عظیمی، افشین یکه، مجید افشار و استاد هاشم فیاض با اهدای سکه بهار آزادی و تندیس طلایی در میان تشویق‌های ممتد حاضران تقدیر به عمل آمد.

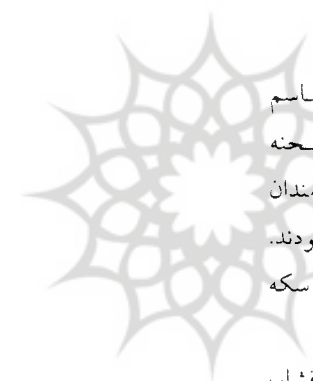
در بخش تعزیه: بهترین سرپرستی، بهترین موسیقی و بهترین موافق خوان به تعزیه احمد از شهریار؛ بهترین اجرای نوحه خوانی و بهترین تعزیه‌خوان به تعزیه حضرت قاسم از میگون؛ بهترین متن و بهترین مخالف‌خوان به تعزیه عباس هندو از گرمسار تعلق گرفت.

در بخش مسابقه: جایزه نخست بازیگری زن به خانم فرزانه ارسطو از نمایش «معرکه در معرکه»؛ جایزه اول بازیگری مرد به آقای محمدحسین قلی‌زاده از

نمایش «تنبل احمد»؛ جایزه نخست متن به آقای حسن رستمی کارگردان نمایش «پر سیاوشان» و بهترین موسیقی به نمایش «ملیک محمد» تعلق گرفت.

پس از اهدای جوایز، قسمت‌هایی از نمایش‌های رقص بردگان کار آقای مجید افشار، دزد مروارید کار آقای حسن عظیمی اجرا گردید.

آخرین برنامه هفتمین جشنواره نمایش‌های مذهبی، سنتی و آیینی اجرای حرکات نمایش آیینی از تربت‌جام بود.



انسانی و مطالعات فرهنگی
تأسیس جامعه علوم انسانی